

«فصلنامه آموزش و ارزشیابی»

سال هفتم - شماره ۲۶ - تابستان ۱۳۹۳

ص. ص. ۵۸ - ۴۱

ارزیابی نابرابری‌ها در دستیابی به فرصت‌های آموزشی: با مطالعه موردی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰*

جواد شیرکرمی^۱

دکتر سعید بختیارپور^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۵/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۰۱/۳۱

چکیده:

این پژوهش، مسئله نابرابری‌های آموزشی را در بُعد مناطق آموزش و پرورش با مطالعه موردی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران مورد مطالعه قرار داده است. پژوهش حاضر نوعی مطالعه اسنادی می‌باشد؛ اطلاعات جمعیتی مورد نیاز این پژوهش با استفاده از داده‌های آماری آخرین سرشماری نفوس و مسکن، و نیز اطلاعات مربوط به آموزش و پرورش (دانش‌آموزان، معلمان و ساختمان‌های آموزشی) با استفاده از آمار و ارقام موجود در آموزش و پرورش شهرستان مورد مطالعه کسب شده است و سپس این آمار و اطلاعات در فرم‌های اطلاعاتی محقق ساخته طبقه‌بندی و تنظیم شده‌اند. به منظور مقایسه و رتبه‌بندی میزان بهره‌مندی مناطق و نواحی مختلف (اعم از شهر یا روستا) از آموزش مقطع ابتدایی، از شاخص‌ها و فرمول‌های برنامه‌ریزی آموزشی، نظیر شاخص انتخاب منطقه، ضریب جینی، منحنی لورنز و نمودار پنج قسمتی سطوح بهره‌مندی مناطق استفاده گردید. در ادامه به منظور تعیین میزان نابرابری‌های آموزشی، داده‌ها و اطلاعات با استفاده از نرخ‌های ثبت نام و پوشش تحصیلی واقعی، نسبت دانش‌آموز به معلم، ضریب بهره‌برداری از فضاهای آموزشی و نرخ بازدهی آموزشی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که در بین مناطق و نواحی مختلف (اعم از شهر یا روستایی) شهرستان دهلران، از حیث بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی تعادل مناسبی برقرار نیست. از جنبه نرخ‌های ثبت نام و پوشش تحصیلی و نیز از حیث میزان دسترسی به معلمان مقطع ابتدایی، مناطق شهری نسبت به نواحی روستایی و گروه پسران نسبت به گروه دختران برتری داشته و در سطح بالاتری قرار دارند. در زمینه دسترسی به فضاهای آموزشی مناطق شهری نسبت به نواحی روستایی برخوردارتر بوده‌اند و در مورد نرخ بازدهی آموزشی، دختران نسبت به پسران و مناطق شهری نسبت به نواحی روستایی برتری دارند.

واژگان کلیدی: نابرابری آموزشی، جمعیت لازم‌التعلیم، پوشش تحصیلی، فضاهای آموزشی، مقطع ابتدایی، شهرستان دهلران.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد می‌باشد.

۱- دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، دزفول، ایران. (نویسنده مسئول).
shirkarami@yahoo.com

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، گروه روانشناسی، اهواز، ایران.

مقدمه:

هرگونه تغییر و تحول سازنده‌ای بدون توجه کافی به پرورش نیروی انسانی کارآمد انجام شدنی نیست و نیروی انسانی کارآمد در سایه‌ی فرصت‌های برابر آموزشی به بار خواهد نشست. از اینرو طی دهه‌های اخیر موضوع فرصت‌های برابر آموزشی مورد بحث صاحب‌نظران قرار گرفته است (مشایخ، ۱۳۷۷، ص ۷۴). امروزه حق برخورداری از آموزش و پرورش به مفهوم برخورداری از آموزشی است که از کیفیت مطلوبی برخوردار باشد و برخورداری یکسان همگان از آموزش و پرورش به منزله‌ی این که هر کس در داخل نظام آموزشی، فرصت و امکان توفیق مساوی داشته باشد، تلقی می‌شود. به همین جهت تمامی استراتژی‌هایی که در زمینه‌ی همگانی ساختن آموزش و پرورش به کار می‌رود، یک هدف را دنبال می‌کنند و آن برخورداری برای همگان از فرصت‌های آموزش با کیفیت مطلوب می‌باشد. بدین منظور تلاش می‌شود تا فرصت‌های آموزشی یکسان را برای گروه‌های مختلف لازم‌التعلیم فراهم سازند و موانع و محدودیت‌های طبقاتی، منطقه‌ای و جنسیتی را از میان بردارند (اسماعیل سرخ، ۱۳۸۶).

در حال حاضر نابرابری‌های آموزشی، یکی از مقوله‌های بسیار مهم در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی است که سهم و نقش تعیین کننده‌ای در گسترش و بهبود آموزش دارد. هنگامی که از نابرابری یا برابری فرصت صحبت می‌شود، منظور نابرابری فرصت بین دختران و پسران در برخورداری از آموزش، نابرابری بین اقلیت‌های مذهبی یا نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی در بین مناطق مختلف کشور می‌باشد (گروه مشاوران یونسکو، ۱۳۸۴). برابری فرصت‌ها نوعی نگاه عدالت خواهانه را به همراه دارد و به عنوان یک شاخص جامعه توسعه یافته تلقی می‌شود. جامعه‌ای که در آن مردم در کنار رفاه و آزادی، عدالت و برابری را هم تجربه خواهند کرد. در این تعبیر، برابری فرصت‌ها و عدالت‌خواهی یک ارزش محسوب می‌شود و آموزش و پرورش باید بتواند آن را در نظام شخصیتی انسان توسعه یافته تعبیه کند. هانوم^۱ (۲۰۰۰، ص ۳) بر این باور است که گسترش دسترسی به آموزش و کاهش هزینه‌های آن برای خانواده‌های فقیر، می‌تواند منجر به کاهش نابرابری‌های مربوط به فقر و جنسیت شود. می‌یرز^۲ (۲۰۰۳، ص ۱۲) درخصوص نابرابری فرصت‌های آموزشی می‌گوید که هنوز با گذشت ۱۲۰ سال، برابری فرصت‌های آموزشی از کودکان سیاه پوست دریغ شده است. کومبز^۳ از اندیشمندان پیشرو در زمینه برنامه‌ریزی آموزش و پرورش براین اعتقاد است که برنامه‌ریزی آموزشی و توسعه مناسب آن منجر به ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی می‌شود و برای تحقق این امر مهم، منابع در دسترس آموزش را می‌باید به سطوح و اجزای مختلف نظام آموزشی تسری داد (معروفی، ۱۳۷۹). از این رو هموار کردن راه‌های تحصیل در طول سه دهه گذشته یک هدف مهم و سیاستی آشکار در کشورهای درحال توسعه بوده است. زیرا در اغلب تئوری‌های مربوط به توسعه یافتگی، توجه بیشتر به ابعاد فرهنگی است و بنابراین

1- Hannum

2- Mayers

3- Coombs

پردازش به فرهنگ و آموزش، عامل گرایش هرچه بیشتر جامعه به عدالت اجتماعی است. تودارو^۱ (۱۳۷۱) وظیفه اصلی توسعه ملی در اکثر کشورهای جهان سوم را گسترش کمی و سریع فرصت‌های آموزشی می‌داند تا جوانان دختر و پسر در این جوامع قابلیت‌های خود را تا سرحد امکان بروز داده و فاصله آنها با افراد سایر مناطق به حداقل رسیده و ضریب نابرابری صفر شود.

جانستون^۲ (۱۹۹۹) معتقد است که ابعاد برابری فرصت‌های آموزشی، شامل موارد زیر می‌باشد: ۱) برابری فرصت‌های آموزشی در بین طبقات اجتماعی مختلف ۲) برابری فرصت‌های آموزشی بین جنسیت‌های مختلف ۳) برابری فرصت‌های آموزشی برای اقوام و نژادهای مختلف یک جامعه ۴) برابری فرصت‌های آموزشی برای مناطق شهری و روستایی و... (اسماعیل سرخ، ۱۳۸۶).

البته مفهوم فرصت‌های برابر آموزشی نیز دارای نوساناتی بوده است، دامنه این تغییرات از حضور کلیه دانش‌آموزان در مدرسه و عدم پرداخت هرگونه وجهی بابت ثبت نام شروع و با ارائه آموزش‌های یکسان برای همگان، برابری فرصت‌ها در خروج از مدرسه و اثرات آموزش به دست آمده از تحصیل در نوسان بوده است (معروفی، ۱۳۷۹، ص ۵۷).

از مطالعه ادبیات نابرابری‌های آموزشی می‌توان نتیجه گرفت که فقر و اختلاف بین شهر و روستا، از جمله عواملی است که در تعیین نرخ ترک تحصیل و پوشش‌های تحصیلی مؤثرند. در بسیاری از کشورها، روستاها در مقایسه با مناطق شهری، از توجه کمتری برخوردارند (اسماعیل سرخ، ۱۳۸۶). مرادی (۱۳۸۲، ص ۱۴۸) می‌گوید عامل جنسیت و نابرابری فرصت‌ها رابطه معنی‌داری با هم دارد و جنسیت یک عامل مهم در عدم دستیابی دختران به آموزش است و پوشش تحصیلی دختران نامطلوب‌تر از پسران است. از طرفی وجود مسائلی از قبیل ساختمان‌ها و تجهیزات محدود و ناقص، فضاهای شلوغ تر از حد ظرفیت، عدم تناسب عرضه معلمان با میزان ثبت نام‌ها، عدم توازن منطقه‌ای در زمینه دسترسی به آموزش و حضور در مدرسه و همچنین مسائل کمی دیگری همچون افت تحصیلی و ترک تحصیل، نرخ ثبت نام‌ها و کمبود فضاهای کالبدی از جمله مسائلی هستند که بر برابری فرصت‌های آموزشی تأثیرگذار هستند (موسوی، ۱۳۸۸، ص ۲). از اینرو اهمیت زیر پوشش قرار دادن تمامی لازم‌التعلیمان و فراهم کردن فرصت‌های آموزشی برابر برای همگان (اعم از دختر یا پسر و شهری یا روستایی) روشن می‌باشد.

در جهان کنونی یکی از شاخص‌های پیشرفت اجتماعی، آموزش و پرورش و چگونگی بهره‌مندی از آن می‌باشد. بر همین مبنا کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه در صدد ایجاد فرصت‌های برابر دسترسی همگان به آموزش و پرورش هستند (عبدوس، ۱۳۸۱، ص ۱۳۸). در اصل سی‌ام قانون اساسی دولت موظف شده است تا وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره تحصیلی متوسطه فراهم نماید (ملکی، ۱۳۷۲، ص ۱۱). لزوم آموزش و عدالت آموزش در معاهدات و کنوانسیون‌های

جهانی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در آستانه‌ی عصر جدید و نیاز دولت‌ها به حضور در عرصه جهانی، توجه ویژه به آموزش به عنوان یک حق را برای ملت‌ها پررنگ نموده است. بر این اساس دولت‌ها متعهد به تأمین آموزش برای آحاد ملت خود هستند. حق قانونی برای دسترسی به آموزش پلی برای لذت بردن از همه حقوق انسانی دیگر است و نادیده انگاشتن این حقوق به مخاطره انداختن انسانیت است (توماسوسکی^۱، ۲۰۰۳، ص ۱). کنوانسیون حقوق بشر می‌گوید هر فردی حق دسترسی به آموزش را دارد و آموزش باید حداقل در مراحل پایه‌ای و ابتدایی الزامی و رایگان باشد (یونسکو ان لاین).

با توجه به مطالبی که مطرح شد، اهمیت آموزش عمومی و به خصوص آموزش پایه بیش از پیش روشن گردید. می‌توان گفت منظور از فرصت‌های آموزشی برابر، به معنی داشتن شانس مساوی کلیه لازم‌التعلیمان (اعم از دختر و پسر و شهری یا روستایی) برای ورود به نظام آموزشی و برخورداری از معلمان، امکانات و فضاهای آموزشی مناسب است.

مسئله نابرابری موجود در نظام آموزشی را می‌توان از سه دیدگاه بررسی و مطالعه کرد: اول از نظر دسترسی به، یا برخورداری از آموزش؛ دوم از نظر منابعی که به عنوان نهاده‌های نظام در اختیار نظام آموزشی قرار گرفته‌اند؛ نظیر هزینه سرانه، نسبت معلم به دانش‌آموز و امکاناتی که در اختیار مدرسه قرار می‌گیرد. سوم از نظر عملکرد نظام که با شاخص‌هایی نظیر نسبت مردودین به قبول‌شدگان، نرخ ارتقای علمی، نرخ اُفت تحصیلی و سطح نمرات سنجیده می‌شود (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۰).

از آنجاییکه در مناطق محروم کشور نابرابری‌ها در آموزش نمود بیشتری پیدا می‌کند و شهرستان دهلران در محدوده استان محروم ایلام واقع شده است، هدف ما در این پژوهش بررسی و ارزیابی نابرابری‌ها در دستیابی به فرصت‌های آموزشی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران از چهار دیدگاه زیرمی‌باشد:

۱. از نظر فرصت‌های برابر دستیابی به آموزش مقطع ابتدایی در بین مناطق و نواحی مختلف با توجه به سهم جمعیتی هر منطقه.

۲. از نظر شانس ورود به نظام آموزشی، نظیر نرخ ثبت نام و پوشش تحصیلی واقعی.

۳. از نظر برخورداری از منابع درون‌داد نظام آموزشی، نظیر نسبت دانش‌آموز به معلم، تراکم کلاسی و ضریب بهره‌برداری از فضاهای آموزشی.

۴. از نظر بازده‌های آموزشی، نظیر نرخ‌های قبولی و مردودی.

این پژوهش میزان نابرابری فرصت‌های آموزشی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران را به تفکیک جنسیت و شهری یا روستایی بودن مورد مطالعه قرار داده است. اهم پرسش‌هایی که پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به آنهاست، عبارتند از:

۱) آیا طی سال مورد مطالعه، همه لازم‌التعلیمان مقطع ابتدایی در مناطق و نواحی شهری و روستایی شهرستان دهلران از فرصت‌های برابر دسترسی به آموزش و پرورش رسمی برخوردار هستند؟

۲) آیا طی سال مورد مطالعه، لازم‌التعلیمان مقطع ابتدایی در مناطق و نواحی شهری و روستایی شهرستان دهلران به تفکیک جنسیت از جنبه نرخ ثبت نام و نیز نرخ پوشش تحصیلی، فرصت مساوی داشته‌اند؟

۳) آیا طی سال مورد مطالعه، دانش‌آموزان مقطع ابتدایی مناطق و نواحی شهری و روستایی به تفکیک جنسیت، به طور برابر از وجود معلمان برخوردار بوده‌اند؟

۴) آیا دسترسی به فضاهای آموزشی یا ضریب بهره‌برداری از فضاهای آموزشی در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی مناطق و نواحی شهری و روستایی شهرستان دهلران، در سال مورد مطالعه یکسان بوده است؟

۵) آیا نرخ بازده‌های آموزشی (قبولی، مردودی) مقطع ابتدایی مناطق و نواحی شهری و روستایی آموزش و پرورش شهرستان دهلران به تفکیک جنسیت، طی سال مورد مطالعه یکسان بوده است؟

اسماعیل سرخ (۱۳۸۶) در پژوهشی که با موضوع «نابرابری‌های آموزشی و نابرابری‌های فضایی در بعد قومی و منطقه‌ای با مطالعه موردی دوره ابتدایی استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰» صورت گرفته است، چنین نتیجه می‌گیرد که در سال ۸۱-۱۳۸۰، نرخ پوشش تحصیلی برای لازم‌التعلیمان ۱۰-۶ ساله مناطق شهری استان ۸۱ درصد و در مناطق روستایی ۷۱ درصد بوده است و از کل جمعیت ۶ ساله مناطق روستایی استان حدود ۵۳ درصد، در پایه اول ثبت نام کرده‌اند. همچنین در سال مورد مطالعه، در سطح مناطق شهری به ازای هر ۱۶ نفر دانش‌آموز ابتدایی یک معلم و در مناطق روستایی به ازای هر ۲۳/۳ نفر دانش‌آموز ابتدایی یک معلم وجود داشته است. مقایسه کارایی درونی مناطق به تفکیک جنس و شهری و روستایی بودن، نشان می‌دهد که درصد قبولی مناطق شهری استان ۹۴ درصد، درصد مردودی ۴/۳ و ترک تحصیل ۱/۱۷ درصد بوده است و این نرخ‌ها در گروه پسران مناطق شهری استان به ترتیب ۸۹/۴ و ۱۰/۶ درصد بوده است. درصد قبولی دختران مناطق روستایی ۸۶ درصد و در گروه پسران ۸۲/۶ درصد بوده است.

رفیعی (۱۳۷۸) تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در نابرابری فرصت‌های آموزشی دوره‌های ابتدایی و راهنمایی مناطق آموزشی استان کرمان» در سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ انجام داده است. نتیجه تحقیق نشان داد که فرصت‌های آموزشی در دوره ابتدایی و راهنمایی بین مناطق و شهرستان‌های کرمان و بین دختران و پسران در شهر و روستا به طور متعادل تقسیم و توزیع نشده است. همچنین عوامل اقتصادی، فرهنگی، آموزشی از جمله عوامل مهمی هستند که بر بازماندگی کودکان و نوجوانان از تحصیل تأثیر بسزایی دارد و موجب نابرابری در توزیع فرصت‌های آموزشی می‌شوند.

داش‌خانه (۱۳۸۰) پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر در نابرابری‌های آموزشی در دوره آموزش عمومی به منظور ارائه مدلی نظری برای آموزش دختران» انجام داده است که یافته‌ها نشان از نابرابری دختران و پسران در زمینه دستیابی به فرصت‌های آموزشی و وجود تفاوت‌های منطقه‌ای در این زمینه دارد. نبی‌زاده سرابندی (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان «بی‌عدالتی در فرصت‌های آموزش استان سیستان و بلوچستان» بیان می‌دارد که شاخص پوشش تحصیلی هر دو جنس پسران و دختران از میانگین کشوری پایین‌تر بوده و دختران نسبت به پسران از پوشش تحصیلی پایین‌تری برخوردار می‌باشند. از طرفی هرچه از سطوح پایین‌تر تحصیلی به سطوح بالاتر می‌رویم، سهم دختران واجب‌التعلیم از سواد تنزل می‌یابد و فرصت آموزشی بین دو جنس در نرخ گذر تحصیلی نشان می‌دهد که گذر تحصیلی دختران از ابتدایی به راهنمایی، هم از میانگین کشوری و هم از میانگین پسران پایین‌تر است.

دهقانی (۱۳۸۴) در تحقیقی که با عنوان «بررسی میزان دستیابی به فرصت‌های آموزشی در استان فارس طی برنامه‌ی دوم و سوم توسعه»، انجام شده است؛ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در استان فارس تمام افراد گروه سنی به آموزش دسترسی ندارند. در مقطع ابتدایی ۱۲ درصد و در مقطع راهنمایی و دبیرستان حدود ۳۶ درصد از این گروه سنی به آموزش دسترسی ندارند. درصد اشتغال به تحصیل پسران در مقطع ابتدایی ۸۹/۹ درصد و در دختران ۸۶/۷ درصد می‌باشد و با گذر از برنامه دوم به سوم نابرابری بین دختران و پسران کمتر شده است. درصد اشتغال به تحصیل پسران در دوره راهنمایی ۶۷ درصد و برای دختران ۵۹ درصد بوده است. در مقطع متوسطه نرخ اشتغال به تحصیل پسران ۶۲/۴ درصد و برای دختران ۵۶/۶ درصد بوده است. در هر سه مقطع در بین مناطق نیز نابرابری وجود دارد.

فانگ وی، دیان ژانگ، جینگ وازانگ (۲۰۰۳) به نقل از موسوی (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «نابرابری آموزشی: فقر و تنگدستی و آموزش مردم روستایی چین»، نتیجه می‌گیرند که فرصت‌های آموزشی بین اقشار پردرآمد و کم‌درآمد و فقیر به صورت نابرابر توزیع شده است و تنها راه حل این مشکل را برقراری یک خط مشی سیاسی فعال در زمینه ارائه خدمات آموزشی بصورت یکسان و برابر بین همه اقشار جامعه دانسته‌اند.

جنکس^۱ (۱۹۷۲) به نقل از توما (۱۳۷۰) در تحلیلی در یافته است که فقدان دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی برای افراد به دلیل نژاد، مذهب و ملیت در مدارس دولتی می‌باشد. گزارش‌های ممالک کوبا، اتیوپی، عراق، اردن، لیبی، مالزی، فیلیپین و رومانی این واقعیت را تأیید کرده‌اند که امکانات آموزشی در شهرها کامل‌تر از مناطق روستایی است.

ربل^۱ (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان «بررسی نابرابری آموزشی در مدارس آمریکا» نتیجه گرفته است که نابرابری چالش مهم نظام‌های آموزشی است و کاهش آن مستلزم تخصیص معلمان با کیفیت، تسهیلات مناسب و کافی، مواد آموزشی مناسب، کاربرد فناوری و افزایش زمان یادگیری است. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که در وضعیت مطلوب، آگاه کردن برنامه‌ریزان نسبت به اهمیت و نتایج برابری فرصت‌های آموزشی، راهکاری مهم در جهت تحقق برابری فرصت‌ها قلمداد شده است.

شلدون^۲ (۲۰۰۰)، در تحلیلی با عنوان «در جستجوی کیفیت و برابری» نتیجه می‌گیرد که اقدامات مناسب در زمینه تحقق آموزش برای همه، شامل این موارد است: (۱) افزایش بودجه آموزشی (۲) افزایش معلمان مجرب (۳) توسعه ظرفیت دولت محلی برای برنامه‌ریزی.

گارت^۳ (۲۰۰۹)، پژوهشی با عنوان «تحلیل ساختارهای نابرابری آموزشی در آمریکا»، انجام داده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که در ۵۵ سال پیش در آمریکا تبعیض نژادی در آموزش را برخلاف قانون اساسی اعلام کردند و در این مسیر برای رفع نابرابری آموزش برای دانش‌آموز سیاه و سفید هزینه‌های کلانی صرف شده است. اما تاکنون آن انتظارات برآورده نشده است و هنوز شاهد آن هستیم که برای افراد کم‌درآمد و غیرسفیدپوست آموزش با کیفیت پایین ارائه می‌شود و این افراد از خدمات آموزشی فوق‌برنامه محرومند. به نظر وی به منظور حذف نابرابری موجود در سیستم آموزشی، باید شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد نیز مورد توجه قرار گیرد.

روش پژوهش

مطالعه حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است؛ میزان دستیابی لازم‌التعلیمان (به تفکیک جنسیت و منطقه) به فرصت‌های آموزشی موجود بر پایه شاخص‌های آموزشی مورد نظر، مورد تحلیل قرار گرفته است.

جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش عبارت است از: الف) کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع ابتدایی شهرستان دهلران که در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ به تحصیل تمام وقت در محیط‌های آموزشی اشتغال داشته‌اند. تعداد کل دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان ۵۲۴۷ نفر بوده است که تعداد ۲۷۷۶ پسر و تعداد ۲۴۷۱ دختر بوده‌اند. ب) کل جمعیت لازم‌التعلیم مقطع ابتدایی (سنین ۶ تا ۱۰ سال) به تفکیک جنسیت. تعداد کل جمعیت ۶ تا ۱۰ ساله‌ها ۵۷۹۳ نفر بوده است که تعداد ۳۰۶۱ نفر آنها پسر و تعداد ۲۷۳۲ نفر دختر بوده‌اند. ج) شمار معلمان دوره‌ی ابتدایی شهرستان دهلران به تفکیک جنسیت. تعداد کل معلمان دوره‌ی ابتدایی شهرستان ۴۷۳ نفر بوده است که از این تعداد، ۲۵۲ نفر مرد و ۲۲۱ نفر نیز زن بوده‌اند. از آنجا که نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌باشد و باید وضعیت کلیه‌ی افراد جامعه مورد مطالعه

1- Rebell

2- Sheldon

3- Garret

قرار گیرد، بنابراین جمعیت نمونه در این تحقیق برابر با کل جامعه می باشد. به عبارت دیگر داده‌ها از طریق سرشماری کامل گردآوری می گردد.

ابزار گردآوری اطلاعات

با توجه به ماهیت گردآوری داده‌ها که به روش اسنادی است از بانک‌های اطلاعاتی، شبکه‌های کامپیوتری آموزش و پرورش و آمارهای موجود استفاده شد است؛ (۱) بانک‌های اطلاعاتی شامل: الف) آمار دانش‌آموزان مقطع ابتدایی، آمار آموزگاران و معلمان به تفکیک جنسیت. ب) آمار آموزشگاه‌ها و ساختمان‌ها و کلاس‌های درس. ج) نتایج امتحانات مقطع ابتدایی شهرستان دهلران. (۲) شبکه کامپیوتری استخراج آمارهای سرشماری جمعیت ۱۳۹۰. به منظور طبقه‌بندی و سهولت استفاده از اطلاعات فوق از فرم‌های اطلاعاتی محقق ساخته استفاده شده است.

شیوه‌های بررسی و تحلیل اطلاعات

روش این پژوهش با توجه به موضوع و هدف آن توصیفی-تحلیلی است. بنابراین از شاخص‌های آمار توصیفی نظیر جداول و نمودارها، درصدها و نسبت‌ها استفاده شده است. در ابتدا به منظور تعیین میزان بهره‌مندی مناطق و نواحی مختلف از آموزش و پرورش، از فرمول‌های برنامه‌ریزی آموزشی، نظیر شاخص انتخاب، ضریب جینی^۱ و منحنی لورنز^۲ و نمودار پنج قسمتی سطوح بهره‌مندی مناطق از آموزش و پرورش استفاده گردیده است. شاخص انتخاب یک منطقه از تقسیم درصد دانش‌آموزان یک منطقه از کل دانش‌آموزان در یک دوره تحصیلی به درصد جمعیت همان منطقه از کل جمعیت شهرستان محاسبه می‌شود.

= شاخص انتخاب

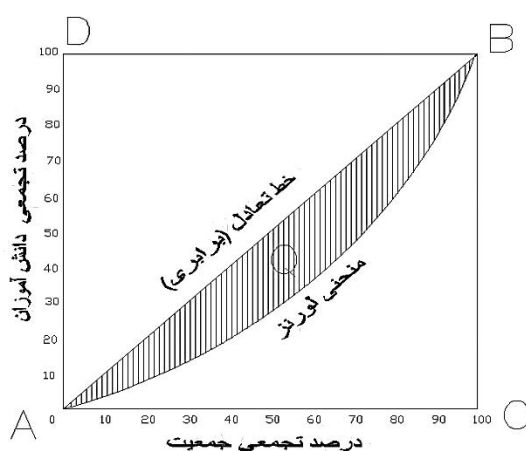
در صورتی که مقدار شاخص انتخاب برای منطقه‌ای برابر یک باشد، بدان معنی است که منطقه مورد نظر از فرصت‌های آموزشی متناسب با جمعیت گروه سنی برخوردار است و اگر کمتر از یک باشد، حاکی از آن است که منطقه مربوطه از فرصت‌های آموزشی کمتری نسبت به جمعیت گروه سنی خود بهره‌مند می‌باشد.

به منظور تعیین میزان دسترسی به معلمان با توجه به سهم جمعیت دانش‌آموزی هر منطقه، شاخص انتخاب را از طریق زیر محاسبه می‌نماییم:

= شاخص انتخاب

برای محاسبه ضریب جینی در یک دوره تحصیلی باید ابتدا مناطق را با توجه به شاخص انتخاب آنها در آن دوره تحصیلی از کم به زیاد مرتب نمود؛ سپس نسبت تجمعی جمعیت بر روی محور افقی و نسبت تجمعی دانش‌آموزی بر روی محور عمودی قرار می‌گیرد.

در نمودار زیر که نمایشگر منحنی لورنز است، اگر مقادیر نسبت تجمعی جمعیت را بر روی محور افقی و مقادیر نسبت تجمعی دانش‌آموز را بر روی محور عمودی نشان دهیم، می‌توان با استفاده از این دو نسبت، منحنی لورنز را ترسیم کرد.



نسبت مساحت هاشور زده به مساحت مثلث (ABC) همان ضریب جینی می‌باشد. هرچه این منحنی به خط تعادل (AB) نزدیک‌تر باشد، نابرابری آموزشی بین مناطق کمتر و هر چه فاصله آن بیشتر باشد نابرابری بیشتر خواهد بود و اگر روی آن منطبق باشد، حاکی از عدم نابرابری بین مناطق است. سطح فاصله بین منحنی لورنز و خط برابری (تعادل) را با نشان می‌دهیم، در این صورت برای محاسبه ضریب جینی از طریق فرمول زیر عمل می‌کنیم:

$$\text{ضریب جینی} = \frac{SQ}{SABC}$$

مقدار ضریب جینی معمولاً بین اعداد صفر و یک (۰ و ۱) خواهد بود. هرچه مقدار این ضریب به صفر نزدیک‌تر باشد، نابرابری بین مناطق کمتر و هر چه به یک نزدیک‌تر باشد نابرابری بین مناطق بیشتر خواهد بود. اگر برابر صفر باشد، حاکی از برابری کامل آموزشی بین مناطق است.

در مرحله بعدی به منظور مقایسه و رتبه‌بندی مناطق و نواحی براساس شاخص‌های بسیار محروم، محروم، متعادل، مرفه و بسیار مرفه به صورت زیر عمل می‌کنیم.

۱- مناطق بسیار محروم (شاخص انتخاب کمتر از ۰/۵)

۲- مناطق محروم (شاخص انتخاب از ۰/۵ تا ۰/۹۵)

۳- مناطق متعادل (شاخص انتخاب ۰/۹۶ تا ۱/۰۵)

۴- مناطق مرفه (شاخص انتخاب ۱/۰۶ تا ۱/۵)

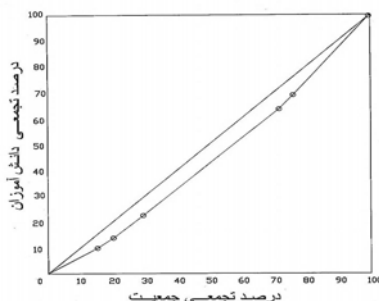
۵- مناطق بسیار مرفه (شاخص انتخاب ۱/۵ به بالا) (کلیدری، ۱۳۷۴).

یافته‌های پژوهش

سؤال ۱: آیا طی سال مورد مطالعه، همه لازم‌التعلیمان مقطع ابتدایی در مناطق و نواحی شهری و روستایی شهرستان دهلران از فرصت‌های برابر دسترسی به آموزش و پرورش رسمی برخوردار هستند؟

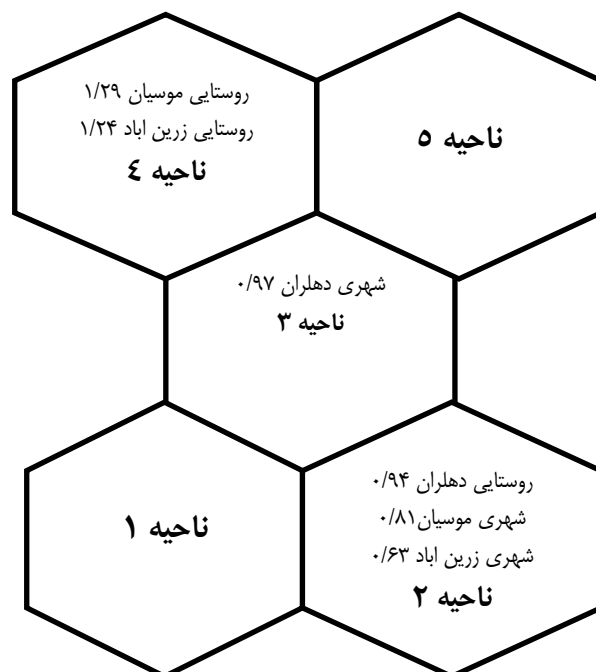
جدول شماره ۱- محاسبه درصدهای تجمعی جمعیت و دانش‌آموزی برای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی به منظور ترسیم منحنی لورنز و تعیین مقدار ضریب جینی (مقدار نابرابری)

مناطق و نواحی	شاخص انتخاب	درصد		درصد تجمعی
		دانش‌آموز	جمعیت	
شهری زرین آباد	۰/۶۳	۹/۸۹	۱۵/۵۴	۹/۸۹
شهری موسیان	۰/۸۱	۳/۹۰	۴/۷۷	۱۳/۷۹
روستایی دهلران	۰/۹۴	۸/۶۹	۹/۱۹	۲۲/۴۸
شهری دهلران	۰/۹۷	۴۲/۲۲	۷۱/۷۲	۶۳/۵۷
روستایی زرین آباد	۱/۲۴	۴/۳۵	۵/۴۱	۶۸/۹۸
روستایی موسیان	۱/۲۹	۲۳/۹۰	۰/۳۱	۱۰۰



نمودار شماره ۱ - منحنی لورنز برای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دهلران $G = ۱۱\%$

در نمودار فوق، ضریب جینی برابر با ۱۱٪ می‌باشد که نمایانگر وجود نابرابری در دسترسی به فرصت‌های آموزشی مقطع ابتدایی در بین مناطق و نواحی شهرستان دهلران است. هر قدر منحنی فوق از خط تعادل (برابری) دورتر باشد، بیانگر شدت نابرابری فرصت‌های آموزشی است.



- نمودار شماره ۲- مقایسه و رتبه‌بندی نابرابری فرصت‌های آموزشی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان دهلران
- ناحیه شماره ۱، مناطق و نواحی هستند که از نظر بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی در سطح بسیار محروم قرار دارند. (شاخص انتخاب آنها کمتر از ۰/۵ است).
 - ناحیه شماره ۲، مناطق و نواحی هستند که از نظر بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی در سطح محروم قرار دارند. (شاخص انتخاب آنها بین ۰/۵ تا ۰/۹۵ است).
 - ناحیه شماره ۳، مناطق و نواحی هستند که از نظر بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی در سطح متعادل قرار دارند. (شاخص انتخاب آنها بین ۰/۹۶ تا ۱/۰۵ است).
 - ناحیه شماره ۴، مناطق و نواحی هستند که از نظر بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی در سطح مرفه قرار دارند. (شاخص انتخاب آنها بین ۱/۰۶ تا ۱/۵ است).
 - ناحیه شماره ۵، مناطق و نواحی هستند که از نظر بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی در سطح بسیار مرفه قرار دارند. (شاخص انتخاب آنها بالاتر از ۱/۵ است).

سؤال ۲: آیا طی سال مورد مطالعه، لازم‌التعلیمان مقطع ابتدایی در مناطق و نواحی شهری و روستایی شهرستان دهلران به تفکیک جنسیت از جنبه نرخ ثبت نام و نیز نرخ پوشش تحصیلی، فرصت مساوی داشته‌اند؟

جدول شماره ۲- نرخ ثبت نام پایه اول مقطع ابتدایی شهرستان دهلران برای سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰

مناطق و نواحی	جمعیت واجب التعلیمان ۶ ساله			تعداد ثبت نام کنندگان پایه اول			نرخ ثبت نام		
	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل
دهلران	۳۰۱	۲۶۱	۵۶۲	۲۷۲	۲۲۸	۵۰۰	۹۰/۳۶	۸۷/۳۵	۸۸/۹۶
شهری	۸۱	۶۰	۱۴۱	۶۴	۳۸	۱۰۲	۷۹/۰۱	۶۳/۳۳	۷۲/۳۴
موسیان	۲۹	۲۷	۵۶	۲۲	۲۱	۴۳	۷۵/۸۶	۷۷/۷۷	۷۶/۷۸
جمع شهری	۴۱۱	۳۴۸	۷۵۹	۳۵۸	۲۸۷	۶۴۵	۸۷/۱۰	۸۲/۴۷	۸۴/۹۸
دهلران	۶۵	۶۸	۱۳۳	۴۷	۵۱	۹۸	۷۲/۳۰	۷۵/۰۰	۷۳/۶۸
روستایی	۳۸	۲۰	۵۸	۳۰	۱۰	۴۰	۷۸/۹۴	۵۰/۰۰	۶۸/۹۶
موسیان	۲۲۱	۲۴۷	۴۶۸	۱۸۸	۱۵۸	۳۴۶	۸۵/۰۶	۶۳/۹۶	۷۳/۹۳
جمع روستایی	۳۳۴	۳۳۵	۶۶۹	۲۶۵	۲۱۹	۴۸۴	۸۱/۷۹	۶۵/۳۷	۷۳/۴۴
کل شهرستان	۷۳۵	۶۸۳	۱۴۱۸	۶۲۳	۵۰۶	۱۱۲۹	۸۴/۷۶	۷۴/۰۸	۷۹/۶۱

همانگونه که در جدول ۲ آمده است، نرخ ثبت نام در مناطق شهری ۸۴/۹۸ بوده است که این نرخ برای پسران شهری ۸۷/۱۰ و برای دختران شهری ۸۲/۴۷ بوده است. در مناطق شهری بالاترین و پایین ترین نرخ ثبت نام به ترتیب به منطقه شهری دهلران با نرخ ۸۸/۹۶ و زرین آباد با نرخ ۷۲/۳۴ اختصاص داشته است. و نیز نرخ ثبت نام در نواحی روستایی ۷۳/۴۴ بوده است که این نرخ برای پسران روستایی ۸۱/۷۹ و برای دختران روستایی ۶۵/۳۷ بوده است. در نواحی روستایی بالاترین و پایین ترین نرخ به ترتیب به ناحیه روستایی موسیان با نرخ ۷۳/۹۳ و ناحیه روستایی زرین آباد با نرخ ۶۸/۹۶ اختصاص داشته است.

همچنین نرخ پوشش تحصیلی در مناطق شهری ۹۳/۴۴ بوده که این نرخ برای پسران شهری ۹۳/۶۴ و برای دختران شهری ۹۳/۲۲ بوده است. در مناطق شهری بالاترین و پایین ترین نرخ پوشش تحصیلی به ترتیب به منطقه شهری دهلران با نرخ ۹۵/۴۴ و منطقه شهری زرین آباد با نرخ ۸۷/۲۲ اختصاص داشته است. نرخ پوشش تحصیلی در نواحی روستایی ۸۷/۳۱ بوده که این نرخ برای پسران روستایی ۸۷/۴۳ و برای دختران روستایی ۸۷/۱۷ بوده است. در نواحی روستایی بالاترین و پایین ترین نرخ به ترتیب به ناحیه روستایی دهلران با نرخ ۸۹/۲۳ و ناحیه روستایی زرین آباد با نرخ ۸۳/۷۷ اختصاص داشته است.

سؤال ۳: آیا طی سال مورد مطالعه، دانش آموزان مقطع ابتدایی مناطق و نواحی شهری و روستایی به تفکیک جنسیت، به طور برابر از وجود معلمان برخوردار بوده اند؟

جدول شماره ۳- مقایسه نسبت دانش آموز به معلم مقطع ابتدایی بین مناطق شهری و روستایی شهرستان دهلران

مناطق	دانش آموز		معلم		نسبت دانش آموز به معلم
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
شهری	۲۸۸۰	۵۴/۸۸	۲۷۳	۵۷/۸۸	۱۰/۵۴
روستایی	۲۳۶۷	۴۵/۱۱	۱۹۹	۴۲/۱۶	۰/۹۳
جمع	۵۲۴۷	۱۰۰	۴۷۲	۱۰۰	۱۱/۱۱

جدول شماره ۴- مقایسه شاخص‌های انتخاب میزان دسترسی به معلمان مقطع ابتدایی شهری و روستایی به تفکیک جنسیتی

ردیف	مناطق	پسر	دختر	نسبت
۱	شهری	۱/۱۱	۰/۹۸	۱/۱۳
۲	روستایی	۰/۸۵	۱/۰۲	۰/۸۳

همانگونه که در جدول فوق آمده است در مناطق شهری، پسران نسبت به دختران از شاخص انتخاب بالاتری برخوردارند ولی در مناطق روستایی دختران از شاخص بالاتری برخوردارند. به عبارت دیگر از لحاظ نسبت دانش‌آموز به معلم در مناطق شهری پسران و در نواحی روستایی دختران برخوردارترند و نیز همانگونه که در جدول ۴ آمده است، مناطق شهری با شاخص ۱/۰۵ و نسبت دانش‌آموز به معلم ۱۰/۵۴ نسبت به نواحی روستایی با شاخص ۰/۹۳ و نسبت دانش‌آموز به معلم ۱۱/۸۹، تعداد معلمان بیشتری در اختیار داشته و از این حیث مناطق شهری از نواحی روستایی برخوردارترند. و نیز در کل شهرستان نسبت دانش‌آموز پسر به معلم مرد، ۱۱/۰۵ بوده است و نسبت دانش‌آموزان دختر به معلمان زن مقطع ابتدایی ۱۱/۱۸ بوده است. به عبارت دیگر هر ۱۱/۱۸ نفر دانش‌آموز دختر به یک معلم زن دسترسی داشته‌اند. در حالی که به ازای هر ۱۱/۰۵ نفر دانش‌آموز پسر به یک معلم دسترسی داشته‌اند.

سؤال ۴: آیا دسترسی به فضاهای آموزشی یا ضریب بهره‌برداری از فضاهای آموزشی در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی مناطق و نواحی شهری و روستایی شهرستان دهلران، در سال مورد مطالعه یکسان بوده است؟

جدول شماره ۵- ضریب بهره‌برداری از ساختمان آموزشی در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰

منطقه	تعداد ساختمان‌ها			تعداد آموزشگاه‌ها			ضریب بهره‌برداری از ساختمان		
	شهر	روستا	کل	شهر	روستا	کل	شهر	روستا	کل
دهلران	۲۸	۱۰	۳۸	۳۰*	۱۶*	۴۶	۱/۰۷	۱/۰۶	۱/۲۱
زرین‌آباد	۱۲	۱۰	۲۲	۱۲	۱۰	۲۲	۱	۱	۱
موسیان	۲	۳۶	۳۸	۲	۳۶	۳۸	۱	۱	۱
شهرستان	۴۲	۵۶	۹۸	۴۴	۶۲	۱۰۶	۱/۰۴	۱/۱۰	۱/۰۸

در مقابل ۱۰۶ آموزشگاه ابتدایی در سطح شهرستان، ۹۸ ساختمان آموزشی در اختیار آموزش ابتدایی بوده است و در نتیجه ضریب بهره‌برداری از ساختمان‌های آموزشی ۱/۰۸ بوده است. به عبارت دیگر در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ حدود ۸/۱۶ درصد از ساختمان‌های آموزشی دوره ابتدایی، بیش از یک نوبت مورد استفاده بوده است.

۱. نقاط ستاره دار نشانه آن است که به علت دو نوبته بودن، تعداد آموزشگاه‌ها بیشتر از تعداد ساختمان‌های آموزشی بوده است.

جدول شماره ۶- ضریب بهره‌برداری از کلاس فیزیکی و تراکم دانش‌آموزی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران^۱

مناطق و نواحی	تعداد کلاس فیزیکی	تعداد کلاس دایر	تعداد دانش‌آموز	تراکم کلاسی دانش‌آموزان	ضریب بهره‌برداری از کلاس فیزیکی
دهلران	۱۱۱	۹۹	۲۱۵۶	۲۱/۷۷	۰/۸۹
شهری					
زرین‌آباد	۱۱۰	۹۰	۵۱۹	۵/۷۶	۰/۸۱
موسیان	۱۱	۱۰	۲۰۵	۲۰/۵	۰/۹۰
جمع شهری	۲۳۲	۱۹۹	۲۸۸۰	۱۴/۴۷	۰/۸۵
دهلران	۱۶	۲۹*	۴۵۶	۱۵/۷۲	۱/۸۱
زرین‌آباد	۵۰	۵۰	۲۸۴	۵/۶۸	۱
روستایی					
موسیان	۶۶	۸۱*	۱۶۲۷	۲۰/۰۸	۱/۲۲
جمع روستایی	۱۳۲	۱۶۰	۲۳۶۷	۱۴/۷۹	۱/۲۱
شهرستان	۳۶۴	۳۵۹	۵۲۴۷	۱۴/۶۱	۰/۹۸

با دقت در جدول ۷ در مورد تراکم کلاسی دانش‌آموزان و نیز ضریب بهره‌برداری از کلاس فیزیکی چنین نتیجه می‌گیریم که تراکم کلاسی در سطح شهرستان، ۱۴/۶۱ نفر بوده است. بیشترین نرخ تراکم کلاسی متعلق به منطقه شهری دهلران با ۲۱/۷۷ نفر و کمترین نرخ با ۵/۶۸ نفر به منطقه روستایی زرین‌آباد تعلق داشته است.

سؤال ۵: آیا نرخ بازده‌های آموزشی (قبولی، مردودی) مقطع ابتدایی مناطق و نواحی شهری و روستایی آموزش و پرورش شهرستان دهلران به تفکیک جنسیت، طی سال مورد مطالعه یکسان بوده است؟

جدول شماره ۷- محاسبه نرخ قبولی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰

مناطق و نواحی	تعداد قبول شدگان			تعداد دانش‌آموزان			نرخ قبولی (ارتقاء)		
	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل
دهلران	۱۱۳۳	۱۰۰۹	۲۱۴۲	۱۱۳۹	۱۰۱۷	۲۱۵۶	۹۹/۴۷	۹۹/۲۱	۹۹/۳۵
شهری									
زرین‌آباد	۲۵۱	۲۶۵	۵۱۶	۲۵۳	۲۶۶	۵۱۹	۹۹/۲۰	۹۹/۶۲	۹۹/۴۲
موسیان	۱۱۱	۹۴	۲۰۵	۱۱۱	۹۴	۲۰۵	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰
جمع شهری	۱۴۹۵	۱۳۶۸	۲۸۶۳	۱۵۰۳	۱۳۷۷	۲۸۸۰	۹۹/۴۶	۹۹/۳۴	۹۹/۴۰
دهلران	۲۱۲	۲۳۹	۴۵۱	۲۱۴	۲۴۲	۴۵۶	۹۹/۰۶	۹۸/۷۶	۹۸/۹۰
روستایی									
زرین‌آباد	۱۹۰	۹۴	۲۸۴	۱۹۰	۹۴	۲۸۴	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰
موسیان	۸۵۷	۷۵۱	۱۶۰۸	۸۶۹	۷۵۸	۱۶۲۷	۹۸/۶۱	۹۹/۰۷	۹۸/۸۳
جمع روستایی	۱۲۵۹	۱۰۸۴	۲۳۴۳	۱۲۷۳	۱۰۹۴	۲۳۶۷	۹۸/۹۰	۹۹/۰۸	۹۸/۹۸
شهرستان	۲۷۵۴	۲۴۵۲	۵۲۰۶	۲۷۷۶	۲۴۷۱	۵۲۴۷	۹۹/۲۰	۹۹/۲۳	۹۹/۲۱

جدول شماره ۸ در مورد نرخ قبولی (ارتقاء) نمایانگر آن است که نرخ قبولی مقطع ابتدایی کل شهرستان در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰، ۹۹/۲۱ درصد بوده است. نرخ قبولی پسران شهرستان ۹۹/۲۰ و برای

۲. نقاط ستاره‌دار نشانه‌ی بیشتر بودن تعداد کلاس‌های دایر نسبت به کلاس‌های فیزیکی است که این امر نشانه دو نوبته بودن و یا استفاده از کانیکس، چادر و غیره به عنوان کلاس برای آموزش بوده است.

دختران ۹۹/۲۳ بوده است. بالاترین نرخ قبولی متعلق به منطقه شهری موسیان و منطقه روستایی زرین آباد هر دو با ۱۰۰ درصد قبولی بوده، و پایین‌ترین نرخ قبولی مربوط به منطقه روستایی موسیان با نرخ ۹۸/۸۳ درصد بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

برابری فرصت‌های آموزشی، نگاهی عدالت‌خواهانه بهمراه دارد و به عنوان شاخصی مهم برای توسعه و پیشرفت جوامع محسوب می‌شود. بر همین مبنا، کلیه کشورهای و بخصوص کشورهای در حال رشد درصدد ایجاد فرصت‌های برابر دسترسی به آموزش و پرورش برای همگان هستند.

با مطالعه تحقیقاتی که در زمینه نابرابری‌های آموزشی در خارج از ایران صورت گرفته است در می‌یابیم که نابرابری‌های آموزشی بیشتر به دلیل تبعیض نژادی و یا سیستم ضعیف مدیریتی مراکز آموزشی رخ داده است و در مواردی نیز عامل ملیت و سکونتگاه بر ایجاد نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی تأثیرگذار بوده است و نتایج تحقیقات داخلی نیز از یک سو نشان از نابرابری‌های جنسیتی در بهره‌مندی از آموزش و پرورش داشته و از سوی دیگر نمایانگر تفاوت سهم مناطق شهری و روستایی از آموزش و پرورش است و در مواردی نیز دور افتادگی مناطق و محرومیت فرهنگی و سواد پایین و همچنین دو زبانه بودن در گسترش نابرابری‌های آموزشی مؤثر بوده است.

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی نابرابری‌ها در دستیابی به فرصت‌های آموزشی، با مطالعه موردی آموزش مقطع ابتدایی شهرستان دهلران در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ صورت گرفت و محقق در ابتدا اطلاعات، آمار و ارقام مورد نیاز را کسب نموده و سپس با استفاده از شاخص انتخاب، ضریب جینی و منحنی لورنز، نمودار سطوح بهره‌مندی مناطق از آموزش، نرخ‌های ثبت نام و پوشش تحصیلی، نسبت دانش‌آموز به معلم، ضریب بهره‌برداری از فضاهای آموزشی و نرخ بازده‌های آموزش، داده‌ها و اطلاعات مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج نشان داد در بین مناطق و نواحی مختلف، اعم از شهر یا روستایی شهرستان از حیث بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی تعادل برقرار نیست و برخی مناطق نسبت به سهم جمعیتی خود فرصت کمتری برای حضور در جریان آموزش و پرورش رسمی داشته‌اند در حالی که برخی دیگر نسبت به سهم جمعیتی خود از فرصت بیشتری برخوردارند. این یافته پژوهش، با نتایج پژوهش‌های رفیعی (۱۳۷۸) و دانش‌خانه (۱۳۸۰) و دهقانی (۱۳۸۴) که طی پژوهش‌های خود به این نتیجه می‌رسند که فرصت‌های آموزشی در بین مناطق و نواحی مختلف به طور متعادل توزیع نشده است همسویی دارد اما با نتایج سرابندی (۱۳۸۴) همسو نیست.

از جنبه نرخ ثبت نام و نیز نرخ پوشش تحصیلی بین مناطق شهری و روستایی و نیز از حیث جنسیتی (پسر و دختر) تفاوت وجود دارد و مناطق شهری نسبت به نواحی روستایی و پسران نسبت به دختران از نظر نرخ ثبت نام و پوشش تحصیلی برتری دارند و برخوردارتر هستند. این نتایج با نتایج تحقیق

اسماعیل سرخ (۱۳۸۶) که طی تحقیق خود نتیجه گرفته است که نرخ ثبت نام و پوشش تحصیلی در نواحی روستایی نسبت به مناطق شهری در سطح پایین تری قرار دارد و نیز با تحقیق سرابندی (۱۳۸۴) و دهقانی (۱۳۸۴) که در پژوهش خود نتیجه می‌گیرند که پوشش تحصیلی دختران نسبت به پسران در سطح پایین تری قرار دارد همخوانی دارد. در زمینه پایین بودن نرخ‌های ثبت نام و پوشش تحصیلی در مناطق روستایی، می‌توان گفت در مناطق روستایی فقر اقتصادی بیشتر احساس می‌شود که پیامد آن کاهش حضور در مدارس است. همچنین مواردی از قبیل تفکرات مردم روستایی در خصوص حضور دختران در مدارس قابل ذکر است (منظور مسائلی از قبیل فرهنگ و یا نیاز به شرکت دختران در معیشت خانوادگی، می‌باشد).

در زمینه میزان دسترسی مناطق و نواحی مختلف به تفکیک جنسیت به معلمان مقطع ابتدایی نوعی عدم تعادل به چشم می‌خورد، در حالیکه در مناطق شهری گروه پسران نسبت به دختران سهم بیشتری دارند و برخوردارتر هستند، اما در نواحی روستایی سهم دختران بیشتر است و نسبت به پسران دسترسی بیشتری به معلمان مقطع ابتدایی دارند و از این حیث برخوردارتر هستند و در کل شهرستان، مناطق شهری نسبت به روستایی و گروه پسران نسبت به دختران به تعداد معلمان بیشتری دسترسی داشته و از این حیث برخوردارترند. این یافته‌ها با پژوهش اسماعیل سرخ (۱۳۸۶) همسویی ندارد. ایشان طی پژوهش خود نتیجه می‌گیرند که در نواحی شهری به ازای ۲۶ نفر دانش‌آموز یک معلم و در نواحی روستایی به ازای هر ۲۳ نفر دانش‌آموز به یک معلم دسترسی داشته‌اند. در مورد دسترسی بیشتر به معلمان در مناطق شهری، می‌توان گفت بدلیل امکانات بهتر زندگی در شهر، معمولاً معلمان ترجیح می‌دهند در مناطق شهری بمانند و در این بین نواحی روستایی محروم می‌مانند.

در مورد دسترسی به فضاهای آموزشی، مناطق شهری از نظر تراکم کلاسی دانش‌آموزان نسبت به نواحی روستایی تراکم پایین تری دارند و در کل، مناطق شهری کلاس‌های فیزیکی و ساختمان‌های آموزشی بیشتری نسبت به نواحی روستایی در اختیار دارند. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش جنکس (۱۹۷۳) همسویی دارد. وی نیز طی پژوهش خود ابراز میدارد که امکانات آموزشی در شهرها نسبت به نواحی روستایی بهتر و کامل تر است.

در زمینه نرخ بازده‌های آموزشی (قبولی و مردودی) دختران نسبت به پسران و مناطق شهری نسبت به نواحی روستایی برتری دارند. نتایج حاصل از این بررسی، از حیث برتری مناطق شهری نسبت به نواحی روستایی از جنبه نرخ قبولی با پژوهش اسماعیل سرخ (۱۳۸۶) همخوانی دارد.

در انجام پژوهش حاضر با برخی محدودیت‌ها مواجه بوده‌ایم از جمله، این پژوهش صرفاً آموزش و پرورش مقطع ابتدایی را در سطح مدارس دولتی مورد ارزیابی قرار داده است و اطلاعات، آمار و ارقام مربوط به مدارس غیر انتفاعی، کودکان استثنایی و نهضت سوادآموزی مورد محاسبه و ارزیابی قرار نگرفته است. همچنین ساخت سنی جمعیت دانش‌آموزان در مناطق و نواحی مختلف احتمالاً با یکدیگر

تفاوت دارند، با وجود این برای شاخص انتخاب در این بررسی، هرم سنی همه مناطق یکسان فرض شده است و نیز عدم وجود طبقه بندی مطلوب اطلاعات، آمار و ارقام در برخی مناطق موجب اتلاف بیشتر وقت محقق در خصوص گرد آوری و تنظیم اطلاعات بوده است.

در پایان پژوهش، راهکارهایی در جهت کاهش نابرابری فرصت‌های آموزشی در شهرستان مورد مطالعه ارائه می‌شود. به نظر می‌رسد توزیع عادلانه امکانات و فضاهای آموزشی بین مناطق مختلف و به خصوص در مناطق دور افتاده روستایی بر اساس ملاک محرومیت و نیز تخصیص اعتبارات بیشتر به منظور احداث یا تعمیر و گسترش مدارس و نیز تجهیز آنها به امکانات رفاهی و بهداشتی مناسب، خصوصاً در مناطق محروم و دور افتاده روستایی، هم‌چنین توزیع معلمان متخصص و آموزش دیده متناسب با سهم جمعیتی کودکان لازم‌التعلیم در بین مناطق و نواحی مختلف شهرستان دهلران با دادن اولویت به نواحی محروم و دور افتاده روستایی و نیز ارائه تسهیلات لازم به معلمان این مناطق جهت جلوگیری از انتقال آنان به مناطق دیگر و نیز بهبود کیفی آموزش از طریق بازآموزی معلمان کم تجربه، ارتقای علمی معلمان و حتی‌الامکان عدم بکارگیری سرباز معلم در مناطق روستایی و نیز ارائه برنامه‌های فرهنگی جهت جلب توجه والدین کودکان مناطق روستایی به اهمیت آموزش و پرورش در جهت کاهش نرخ افت تحصیلی و مردودی و ر نهایت لزوم گسترش آموزش پیش دبستانی و دوره های آمادگی برای نوآموزان مناطق دو زبانه و روستایی و نیز حذف تدریجی کلاس‌های چند پایه در نواحی روستایی.

منابع

- اسماعیل سرخ، جعفر (۱۳۸۶)، نابرابری‌های آموزشی و نابرابری‌های فضایی در بعد قومی و منطقه‌ای (مطالعه موردی دوره ابتدایی استان آذربایجان غربی) در سال تحصیلی ۱۳۸۰-۸۱، **فصلنامه تعلیم و تربیت**. سال ۲۳، شماره ۳.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۱)، **توسعه اقتصادی در جهان سوم**، ترجمه فرجادی پور. چاپ دوم، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- توما، ژان (۱۳۷۰)، **درون جهان سوم**، ترجمه محمد نظری، تهران، انتشارات فاطمی.
- داش‌خانه، فاطمه (۱۳۸۰)، بررسی عوامل مؤثر در نابرابری‌های آموزشی در دوره آموزش عمومی به منظور ارائه مدلی نظری برای آموزش دختران، **فصلنامه تعلیم و تربیت**، سال ۱۷، شماره ۴.
- دهقانی، سعیده (۱۳۸۴)، **بررسی فرصت‌های آموزشی در استان فارس در برنامه دوم و سوم توسعه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- رفیعی، حمید (۱۳۷۸)، **بررسی عوامل مؤثر در نابرابری فرصت‌های آموزشی دوره‌های ابتدایی و راهنمایی مناطق آموزشی استان کرمان در سال تحصیلی ۷۷-۷۶**، دانشگاه علامه طباطبائی.
- عبدوس، میترا (۱۳۸۱)، بررسی عوامل مؤثر در فرصت‌های آموزش نابرابر بین دختران و پسران، خلاصه مقالات مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش، تهران: **پژوهشکده تعلیم و تربیت**.
- عزیززاده، هادی (۱۳۶۷)، بررسی نابرابری دستیابی به فرصت‌های آموزشی بین استان‌های کشور در سال تحصیلی ۶۶-۶۵، **فصلنامه تعلیم و تربیت**. شماره ۳ و ۴، ص ۱۳ و ۱۷.

کلیدری، محمدحسین (۱۳۷۴)، **بررسی نابرابری فرصت‌های آموزشی در استان خراسان طی سال‌های برنامه اول توسعه ۷۲-۱۳۶۸**، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

گروه مشاوران یونسکو، (۱۳۸۴)، **فرایند برنامه‌ریزی آموزشی**. ترجمه فریده مشایخ. چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات مدرسه.

متوسلی، محمود؛ آهنچیان، محمدرضا (۱۳۹۰)، **اقتصاد آموزش و پرورش**، چاپ پنجم، انتشارات سمت.
مرادی، مسعود (۱۳۸۲)، **بررسی فرصت‌های آموزشی دوره متوسطه اول و عوامل مربوط با آن در مناطق آموزشی استان زنجان**، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان زنجان.

مشایخ، فریده (۱۳۷۷)، **فرایند برنامه‌ریزی آموزشی**. تألیف گروه مشاوران یونسکو، چاپ هفتم، تهران: انتشارات مدرسه.

معروفی، یحیی (۱۳۷۹)، **بررسی نابرابری فرصت‌های آموزشی دوره متوسطه در مناطق آموزشی تابعه استان کردستان در سنوات تحصیلی ۷۲-۷۱ الی ۷۷-۷۸**، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان.

ملکی، حسن (۱۳۷۲)، **آشنایی با قانون اساسی، دوره کاردانی تربیت معلم، وزارت آموزش و پرورش**.
موسوی، غلامرضا (۱۳۸۸)، **بررسی میزان نابرابری فرصت‌های آموزشی دوره‌های تحصیلی ابتدایی و راهنمایی استان ایلام در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶**، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول.

نبی‌زاده سرابندی، سیما (۱۳۸۴)، **بی‌عدالتی در فرصت‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان، مجله پژوهش‌های زنان**، دوره ۳، شماره ۳.

Garret, jeff. (2009). **Separate and unequal A Structural analysis of education inequality in America**, www.swirlinc.word press.com.

Hannum, Emily. (2000). **Educational, Expansion and Demographic**, Harvard, Institute for International Development, www.census.org/ipc/.

Meyers, Rob. (2003). **Inquality of Education**, www.csue.berkclly.Edu/ Meyers/ **Education term**, Himl.

Rebell, and femininities in the primary classroom, M. A. (2003), **Hearing: Americ`as school: providibg equal opportunity or sthllseparte and UN equal?** New York.

Sheldon, G. w. (2000). **The search for quality and equality**, In A.R. welch(Ed), **Third world education, Quality and equality**.14.

Tomasevski, Katarina. (2005). **Education Denied costs and Remedies**, March 2003.

UNESCO online, all Rights for all fiftieth Anniversary of the Universal Declaration of Human Rights.27.

Evaluating educational inequalities in attaining educational opportunities: A case study of Dehloran's elementary schools in the academic year 2011-2012

Javad ShirKarami, M. A.
Saeed Bakhtiarpour, Ph. D.

Date of receipt: 2013.08.17
Date of acceptance: 2014.02.20

Abstract

In this study, the issue of educational inequalities is investigated in different educational areas through a case study at Dehloran's elementary schools. The present study is a documentary study; the demographic data required for this study has been acquired by statistical data from the recent census of population and Housing as well as information regarding education (students, teachers and educational buildings) using the statistics provided by Dehloran education office. Then, the statistics were classified and adjusted in the researcher made information. To compare and rank the amount to which different areas and regions (rural or urban) benefit from elementary education, indicators and formulas for educational planning such as the index of region selection, Gini coefficient, Lorenz curve, and benefit levels chart were used. Moreover, in order to determine the educational inequalities, the data was analyzed using enrollment fees and the actual educational coverage, the ratio of students to teachers, utilization coefficient of educational spaces, and rates of the educational efficiency. The results of this study indicate that there is not a proper balance among different regions and areas (weather urban or rural) of Dehloran in terms of benefited educational opportunities. In terms of enrollment fees and educational coverage as well as access to elementary school teachers, urban areas as compared with rural areas and boys as compared with girls are at a higher level. Urban areas have more access to educational spaces compared to rural areas. As for the rates of educational efficiency, girls and urban areas are superior to boys and rural areas, respectively.

Key words: *Educational Inequality, Education Needed Population, Education coverage, Educational spaces, Elementary schools, Dehloran city*